

استعفای دوبارهٔ ظریف به خاطر قانون مشاغل حساس، رابطهٔ او با دولت پزشکیان را تغییر نخواهد داد

همه می‌دانند



کار به قوه قضائیه کشید

با وجود گذشت بیش از دو سال از اِبل‌اغ قانون، رئیس قوه قضائیه اخیراً اعلام کرد که هنوز افرادی مشمول این قانون در پست‌های حساس حضور دارند و حتی در دولت‌های قبلی و فعلی انتصابات انجام شده است. او به تبصره ۳ ماده ۱ قانون اشاره کرد که استثنائاتی را برای موارد ضروری پیش‌بینی کرده‌و اگر مقام مسئول تشخیص دهد فرد جایگزینی برای پست وجود ندارد، کارگروهی بین‌دستگاهی می‌تواند مجوز حضور فرد را صادر کند. اما از‌آ‌های تأکید کرد که انتصاب افراد دارای تابعیت مضاعف «تخلف» است، هر چند جرم‌انگاری نشده. به این ترتیب بحث حضور ظریف در معاونت راهبردی همچنان محل مناقشه بود. برخی نمایندگان انتصاب او را غیرقانونی خوانده و خواستار برکناری‌اش از طریق دیوان عدالت اداری شدند و کمیسیون امنیت ملی نیز در دی‌ماه‌نامه‌ای در این خصوص ارسال کرد. ماجرا به نهادهای سیاسی و رسمی محدود نشد و فضایی در بخشی از جامعه نیز علیه ظریف شکل گرفت و شبکه‌های اجتماعی هم بستری برای رد و بدل نظرات حامیان و مخالفان حضور او در دولت شد. با وجود این چالش‌ها، ظریف فعالیتش را ادامه داد. او به دایوس رفت، در نشست‌های بین‌المللی شرکت کرد و مقالاتی نوشت تا نشان دهد همچنان در عرصه سیاست خارجی فعال است. این اقدامات، بخشی از تلاش او برای حفظ جایگاهش در فضای سیاسی و بین‌المللی بود که هفتمین استعفایش در شامگاه یکشنبه، نقطه پایانی بر حضور رسمی او در دولت چهاردهم گذاشت.

۷ استعفادر یک دهه

محمدجواد ظریف تا به امروز، با احتساب استعفای آخرش در یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۳، هفت‌بار از سمت‌های خود کناره‌گیری کرده‌است. او پیش‌تر در دولت‌های یازدهم و دوازدهم پنج بار استعفا داده بود که جزئیات آن‌ها را در کتاب خاطراتش با عنوان «پایان شکیبایی» شرح داده است. بر اساس نوشته‌های خود ظریف، استعفای اول مربوط به سال ۱۳۹۲ در سفر نیویورک بود. وقتی برخی مشاوران رئیس‌جمهور بدون هماهنگی سعی کردند نشست وزرای خارجه ۱۰۵ را به نشست سران تبدیل کنند؛ استعفای دوم زمانی رخ داد که طرحی درباره کمیته نیازهای هسته‌ای بدون اطلاع وزرات خارجه برای مقامات ارسال شد و مذاکرات را به خطر انداخت. سومین استعفا مربوط به هماهنگی وزارتخانه‌ها با اصول سیاست خارجی، به ویژه در روابط با روسیه بود. ظریف درباره استعفای چهارم خود می‌نویسد که به دلیل سفر بشار اسد در اسفند ۱۳۹۷ بوده که از آن بی‌خبر بوده است. استعفای پنجم هم در سال ۱۳۹۹، وقتی پیشنهاد پوتین در شورای امنیت ملی با لحن تندی رد شد و او آن را توهین به وزارت خارجه دانست و خواستار معافیت از حضور در هیئت دولت شد، اما درخواستش پذیرفته نشد، در ادامه و در دولت فعلی، اما ظریف دوبار استعفاداد که استعفای اول نهایی نشد اما ظاهراً آوار است استعفای دوم، او را از معاونت راهبردی دولت چهاردهم جدا کند.

اتمام مسئولیت ظریف در دولت

استعفای ششم او در ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ رخ داد، زمانی که به‌عنوان معاون راهبردی دولت چهاردهم، در واکتش به معرفی کابینه پیشنهادی پزشکیان به مجلس، متنی منتشر کرد و از نتیجه انتخاب وزرا ابراز نارضایتی کرد. او نوشت که از ۱۹ وزیر پیشنهادی، تنها سه نفر انتخاب اول کمیته‌ها و شورای راهبری بودند، شش نفر در اولویت دوم یا سوم و یک نفر حتی گزینه پنجم بود. با تأکید بر اینکه انتخاب کابینه حق رئیس‌جمهور است، از ناتوانی در تحقق وعده‌هایش درباره حضور زنان، جوانان و اقوام علترخواهی و اعلام کرد که راهش را در دانشگاه ادامه خواهد داد. اما استعفای هفتم و آخر او چند ساعت پس از استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد و در شامگاه یکشنبه، ۱۲ اسفند اعلام شد.

ظریف در پیامی که در شبکه ایکس منتشر کرد، ضمن قدردانی از فرصتی که در ۹ ماه گذشته برای خدمت به مردم داشته، از فشارها و همه‌جهایی که در این مدت متحمل شده نوشت. او تأکید کرد که در شش ماه گذشته با «سخت‌ترین توهین‌ها، افتراها و تهدیدها» روبه‌رو بوده و حتی در درون دولت نیز «تلخ‌ترین دوران خدمت ۴۰ ساله خود را تجربه کرده است.» با این حال، او نوشت که همواره به امید خدمت ایستادگی کرده‌و در طول چهار دهه فعالیت خود، برای حفظ منافع ملی در برابر سیل «دروغ و تحریف» سکوت کرده است. ظریف در ادامه اعلام کرد که روز شنبه، به دعوت رئیس قوه قضائیه با وی دیدار کرده و توصیه در یافت کرده است که برای کاهش فشارها بر دولت، به دانشگاه بازگردد. او این پیشنهاد را «بی‌درنگ» پذیرفته و اعلام کرده که همواره خواسته است «پار باشد، نه بار.»

ظریف با قدردانی از رئیس قوه قضائیه که «با مسئولیت را از دوشش برداشته» ابراز امیدواری کرد که با کناره‌گیری‌اش، «بهبانه برای سنگ اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت برداشته شود.» او در پایان، با تأکید بر حمایت خود از پزشکیان، از مردم ایران برای «همه‌کاستی‌ها» پوزش خواست.

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

هنوز تب استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد، سرد نشده بود که محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور، برای هفتمین بار در کارنامه حضورش در دولت استعفا کرد. کناره‌گیری‌ای که البته خیلی هم دور از انتظار نبود. از روزهای آغازین دولت و حتی قبل از آن، زمزمه‌های چالش‌های پیش‌روی ظریف شنیده می‌شد؛ از بحث تابعیت مضاعف گرفته تا اختلاف‌نظرها بر سر ترکیب کابینه و نقش او در دولت. اما آنچه بیش از همه خود را نشان داد، فضایی بود که ظریف را میان محدودیت‌های قانونی، انتظارات و فشارهای سیاسی و حتی اجتماعی قرار داده بود. حضور او در کنار مسعود پزشکیان، ابتدا به عنوان یک همراه انتخاباتی و بعد در جایگاه معاون راهبردی، مسیری بود که همزمان با حمایت و حاشیه همراه شد. او در نشست‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حاضر شد، از برنامه‌های دولت دفاع کرد و سعی داشت همچنان بازیگر مؤثری در عرصه سیاست خارجی باشد؛ اما در نهایت، آنچه سرنوشت او را در این نقش رقم زد، نه سفرهای انتخاباتی بود و نه سخنرانی‌های رسمی، بلکه مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، حقوقی و تصمیم‌گیری‌های کلان بود که وی را به نقطه‌ای رساند که به‌برای هفتمین بار در طول حدود یک دهه اخیر از مسئولیت دولتی کناره‌گیری کند. ظریف در متن استعفای خود، از دشوارترین دوران خدمتش نوشت و اعلام کرد که با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، تصمیم گرفته است بار دیگر به دانشگاه بازگردد.

انتخابات ۱۴۰۳ و بازگشت ظریف

داستان از انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز شد، جایی که پزشکیان اعلام کرد از ظریف در دوشش استفاده خواهد کرد و بحث‌ها درباره آن شدت گرفت. موضوعی که خیلی طولی نکشید تا به واقعیت پیوست و محمدجواد ظریف که سال‌ها به عنوان وزیر خارجه در دولت روحانی فعالیت کرده بود، این بار تصمیم گرفت در نقش حامی و مشاور مسعود پزشکیان وارد صحنه شود. حضور او در کنار پزشکیان، با توجه به تجربه‌اش در دیپلماسی و سیاست خارجی، قرار بود به کمپین انتخاباتی وزن بیشتری بدهد. ظریف در این نقش، تلاش کرد تا با استفاده از این تجربه، پیامی به رای‌دهندگان منتقل کند و نشان دهد که می‌تواند در کنار پزشکیان، به پیشبرد اهداف کمک کند. حضور او در کنار پزشکیان فقط اعلامی و محدود به پست‌های حمایتی در شبکه‌های اجتماعی نبود و ظریف پایه‌پای پزشکیان به شهرهای مختلف سفر می‌کرد و جاتانه از برنامه‌های کاندیدای منتخب دفاع می‌کرد.

با به پای مسعود

یکی از لحظات کلیدی این همراهی، حضور ظریف در برنامه تلویزیونی با محوریت میزگرد سیاست خارجی بود. او به عنوان کارشناس همراه پزشکیان در کنار او نشست و گفت: «بسیار باعث افتخار بنده است که در کنار شخصیتی صادق و وطن‌پرست مانند آقای پزشکیان حضور داشته باشم.» در ادامه، ظریف پا را فراتر گذاشت و همراه پزشکیان راهی سفرهای انتخاباتی شد. از شهری به شهر دیگر رفتند و او در سخنرانی‌ها و دیدارها، از برنامه‌های پزشکیان گفت و تلاش کرد تا نظرسرمد را جلب کند. این سفرها، بخشی از استراتژی کمپین بود و ظریف یکی از چهره‌های اصلی آن به‌شمار می‌رفت. حضور او در این سفرها، چه به عنوان یک چهره شناخته‌شده و چه به عنوان یک سخنران، نقش مهمی در دیده‌شدن پزشکیان داشت و از قضا حضور او در برخی شهرها با جنجال و حاشیه همراه بود.

بعد از پیروزی پزشکیان در انتخابات، ظریف به عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور وارد دولت شد و به نظر می‌رسید که این پست بیشتر جنبه تشریفاتی داشته باشد. با این حال، ظریف کارش را در این نقش آغاز کرد و تلاش داشت تا از تجربه‌اش در سیاست خارجی و مسائل راهبردی استفاده کند.

جنجال تابعیت

ماجرای تابعیت مضاعف محمدجواد ظریف و قانون ممنوعیت انتصاب افراد مشاغل حساس از زمانی شروع شد که انتصاب او به عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور به دلیل تابعیت فرزندانش در آمریکا، با ماده ۲ قانون مصوب سال ۱۴۰۱ که حضور افراد دارای تابعیت مضاعف یا همسر و فرزندان‌شان را در مشاغل حساس ممنوع می‌کند، در تضاد قرار گرفت. این قانون در مهرماه سال ابلاغ شد و شامل ۱۱ تبصره بود که بند الف ماده ۲ آن صراحتاً این ممنوعیت را اعلام می‌کرد. دولت برای رفع این مشکل، لایحه‌ای اصلاحی با قید دورویز به مجلس فرستاد و به توجیه آن اعلام کرد که در برخی موارد، تابعیت مضاعف به صورت قه‌ری و بدون اختیار فرد ایجاد می‌شود، اما نمایندگان به فوریت این لایحه را ندادند و بررسی آن در کمیسیون اجتماعی مجلس چندین بار در رفت‌وآمد بود.

ایده او در فضای سیاسی مخصوصاً در عرصه سیاست خارجی که حمایت جدی این بدنه را به همراه داشت، نسبت آن‌ها با دولت مسعود پزشکیان را یا در رفتارهای رادیکال خلاصه می‌کند یا آن‌ها را به سمت انفعال و بی‌تفاوتی در تصمیمات دولت سوق می‌دهد. پس از این دولت در حالی که تلاش دارد تا بدنه اجتماعی حامی خود را افزایش دهد، با بحران ریزش بخشی از این بدنه حامی مواجه می‌شود و در موقعیت فشار رادیکال‌های مخالف دولت، این اتفاق فشاری دوچندان برای دولت به همراه دارد و در کمتر از یک سال، آسیب دیگری متوجه دولت می‌کند.

خوشحالات خاموش دولت

فارغ از اثرات منفی که حذف ظریف به همراه خواهد داشت، استعفا فرصت‌هایی پیش‌روی برخی می‌گذارد. حذف ظریف نه فقط برای رادیکال‌های مخالف دولت، بلکه برای بخشی از بدنه درون دولت نیز خبری خوب است. پیش‌تر مصلداً اشاره کردیم که سه طیف و جریان درون دولت حضور دارند؛ یک طیف، افرادی در دولت را شامل می‌شود که میسبت پروکراسی را در اختیار دارند. طیف دیگر عموماً افراد نزدیک به شخص رئیس‌جمهور هستند و بدنه سومی نیز وجود دارد که محمدجواد ظریف آن را نمایندگی می‌کرد. در ساختار دولت، کشمکش نه چندان پنهان میان این سه طیف درون دولت وجود داشت. این نزاع گاهی در مسیری که در اعمال سیاست‌ها و تدبیر امور از جانب دولت اعمال می‌شد، خود را نشان می‌داد. استعفای محمدجواد ظریف به عنوان یکی از سرهای این سه ضلعی، خبری خوشحال‌کننده برای دوظیف دیگر دولت به‌شمار می‌رود، زیرا نزاع را خاتمه می‌دهد، احتمالاً یک جریان رقیب درون دولت را حذف می‌کند و مجال بیشتری برای تثبیت ایده خودشان در دولت فراهم می‌شود. اگر چه این طیف در مواضع اعلامی خود در روزهای آتی با حذف محمدجواد ظریف مخالفت خواهند کرد و از استعفاش ابراز تأسف می‌کنند و انگشت اتهام را به سمت مخالفان دولت می‌برند و اعمال فشار رادیکال‌ها بر دولت و معاون راهبردی سابق را خلاف انصاف می‌دانند، اما درواقع این موضوع برای آن‌ها اتفاقی خوشایند است. علاوه بر کشمکش دوظیف درون دولت، برخی ایده‌ها و تحلیل‌های او در ساختار دولت، منتقدانی جدی داشت که نمود ظاهری آن در ماجرای مذاکره با آمریکا خود را نشان داد. این افراد و جریانات درون دولت را می‌توان مخالفان خاموش دولت نامید که در مواضع اعلامی از رفتن ظریف اظهار تأسف می‌کنند، اما رفتن او را فرصت می‌بینند.

خودزنی منتقدان دولت

در یک سمت این نزاع و کشمکش شش ماهه بر سر رفتن ظریف، مخالفان رادیکال دولت قرار دارند که برای خدا حافظی ظریف از دولت لحظه شماری می‌کردند و حالا به‌زعمشان اعمال فشارها برای رفتن ظریف جواب داده است. استیضاح همتی و پس از آن استعفای ظریف، در وهله اول این بدنه را در اعمال فشار و افزایش مانع برای دولت مصمم‌تر خواهد کرد. احتمال اینکه برخی از چهره‌های آن‌ها درون مجلس، برکناری یا حذف دیگر افراد درون دولت را کلید بزنند، وجود دارد. اما با فرض به نتیجه رسیدن فشار مخالفان برای حذف چهره‌های کلیدی درون دولت و برداشتن گام‌های بعدی، زبانی در درازمدت متوجه منتقدان دولت خواهد شد. حذف این چهره‌ها که در تعریف بخشی از این منتقدان در زمره افراد با تفکر غرب‌گرای قرار می‌گیرند که در دولت حضور دارند، مجالی برای نقد دولت باقی نمی‌گذارد؛ چراکه دیگر دلیلی برای نقد وجود ندارد و اساساً کسی برای نقد کردن به جز شخص رئیس‌جمهور باقی نمی‌ماند. امری که چندان هم مطلوب آن‌ها نخواهد بود. در حالی که از روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت، تلاش برخی از منتقدان بر این استوار بود که میان این چهره‌ها و رویکردهای غلط‌شان با رئیس‌جمهور فاصله‌گذاری کنند و حساب رئیس‌جمهور را از چهره‌های غرب‌گرا جدا کنند، حذف تک به تک این چهره‌ها، نقد دولت را بی‌معنی می‌کند. آن‌ها چاره‌ای نخواهند داشت که صراحتاً به سمت انتقاد از رئیس‌جمهور و تقابل با بالاترین مقام اجرایی کشور حرکت کنند و در دام محدودیتی می‌افتند که ناخواسته برای خود ایجاد کرده‌اند و در نتیجه آنچه اتفاق می‌افتد، دردسر و آسبایی است که خودشان برای خودشان ایجاد کرده‌اند.

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

هفتمین استعفای محمدجواد ظریف، شب روزی منتشر شد که مجلس رأی اعتمادش به عبدالناصر همتی را پس گرفت و دولت در شش ماه بعد از آغاز به کار، اولین وزیرش را از دست داد. ظریف اگرچه یک بار نیز در روزهای ابتدایی شروع به کار دولت استعفا داد، اما با توجه به کشمکش‌ها و حواشی شش ماهه انتصاب او در دولت، به نظر می‌رسید استعفای هفتم یک نمایش رسانه‌ای یا رفتاری صرفاً از روی احساسات نباشد. در میان گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای، سحر روز دوشنبه، محمدجواد ظریف پیامی در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد و ضمن تأیید این خبر نوشت که در جلسه‌ای به دعوت رئیس دستگاه قضا به او توصیه شده تا «برای جلوگیری از فشار بیشتر بر دولت، به دانشگاه برگردد.» اگرچه مسئولیت ظریف در دولت، ظاهراً تشریفاتی بود و چندان کلیدی به نظر نمی‌رسید؛ اما حذف محمدجواد ظریف از بدنه دولت به عنوان فردی که نقش محوری در حمایت از مسعود پزشکیان در رقابت‌های انتخاباتی و پس از آن راهبری دولت داشت، آشاری به همراه دارد که بخشی از آن مستقیماً متوجه بدنه و ساختار دولت می‌شود و بخشی از آن نیز به منتقدان دولت برمی‌گردد که در ادامه اثرات این استعفا را بررسی خواهیم کرد.

آتش کشکی که پای ظریف است

ظریف اگرچه در دولت مسعود پزشکیان سمتی کلیدی نداشت و این طور تصور می‌شد که انتصاب او در سمت معاونت راهبردی، تشریفاتی است، با این حال حضور او در دولت، دغدغه جدی حامیان او و دولت بود. این گزاره انکارناپذیر است که او در رقابت‌های انتخاباتی خرداد ماه ۱۴۰۳ از تصویر وزیر خارجه دولت روحانی فاصله گرفت و خود را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی دولت مسعود پزشکیان در افکار عمومی ثبت کرد. در اظهارات چهره‌های مختلف اصلاح‌طلب نیز تکرار می‌شد که ظریف نقشی مثبت در پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات داشت. فارغ از صحیح یا غلط بودن این گزاره، ظریف خود و حیات سیاسی‌اش را به دولت مسعود پزشکیان گره زد. با در نظر گرفتن این موارد استعفای او اگرچه منجر به حذف فیزیکی او از بدنه دولت می‌شود، اما ظریف را از دولت چهاردهم و آثار مثبت و منفی دولت بر فضای سیاسی جدا نمی‌کند. علاوه بر این در هیچ بخشی از متنی که ظریف در تأیید خبر استعفای خود منتشر کرده، جمله یا اشاره‌ای وجود ندارد که فاصله‌گذاری ظریف با دولت را تأیید کند. همراهی و حضور ظریف با مسعود پزشکیان در رقابت‌های انتخاباتی و بعد از آن در کابینه دولت، نام ظریف را به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی دولت ثبت کرد. او چه بخواهد و چه نخواهد، نمی‌تواند خود را از آثار و عواقب مثبت یا منفی دولت جدا کند و از صبح روز دوشنبه با آن فاصله‌گذاری کند. ظریف از دولت پزشکیان جدا نخواهد شد؛ چراکه نام او هم به عنوان یکی از مهره‌های مؤثر در رأی‌آوری پزشکیان ثبت شده و در زمره عاملان وضع موجود قرار خواهد گرفت. هم جنس حضور او در دولت بیشتر از آنکه برای انجام اقدامات اجرایی باشد، در راستای استفاده از ایده او در موضوعات مختلف، استفاده از تجربیات و مخصوصاً کنش سیاسی در سیاست خارجی متمرکز بود. اینکه حذف او مستقیماً منجر به حذف ایده و گفتمان او در دولت خواهد شد یا خیر نیز موضوعی است که گذر زمان آن را اثبات خواهد کرد اما به نظر نمی‌رسد این ایده از بدنه دولت حذف شود.

بحران ریزش بدنه اجتماعی دولت بعد از حذف ظریف؟

دوره حضور ظریف در وزارت خارجه و امضای توافق برجام و به نتیجه رسیدن این توافق با مذاکرات ظریف، بدنه‌ای از حامیان اجتماعی را برای محمدجواد ظریف به وجود آورد که با استفاده از همین امتیاز در کارزار انتخاباتی نقش‌آفرینی کرد. ظریف عملاً حامیان خود را به بدنه حامی مسعود پزشکیان متصل و آن‌ها را به بدنه حامی دولت تبدیل کرد. حذف محمدجواد ظریف از دولت، این بدنه اجتماعی حامی دولت را از دولت دور می‌کند و منجر به فاصله‌گذاری آن‌ها با دولت چهاردهم می‌شود. حذف فیزیکی و